

معرفی و نقد کتاب زبان‌شناسی ایرانی: نگاهی از دوره باستان تا قرن دهم هجری قمری

زهرا زندی‌مقدم (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

زبان‌شناسی ایرانی: نگاهی تاریخی از دوره باستان تا قرن دهم هجری قمری، فریده حق‌بین،
نشر مرکز، ۱۳۹۲، ۲۶۳ صفحه.

در اکثر آثاری که در زمینه تاریخ زبان‌شناسی تدوین شده است به تلاش ایرانیان و سهم آنان در تولید این علم کمتر توجه شده و بیشتر به معرفی دستاوردهای دانشمندان غربی پرداخته‌اند. کتاب تاریخ مختصر زبان‌شناسی تألیف آر. اچ. روبینز ترجمه زنده‌یاد دکتر علی محمد حق‌شناس که یکی از معدود کتاب‌های معتبر در زمینه تاریخ این دانش است از جمله این آثار است؛ حال آنکه دستاوردهای مسلمانان به‌ویژه نخبگان و دانشمندان ایرانی در عرصه‌های مختلف علمی به‌حدی چشمگیر بوده که به اقرار دانشمندان غربی تمدن کنونی اروپا و غرب، بیش از هر چیز دیگر از آن مایه می‌گیرد.

کارنامه زبان‌شناسان ایرانی نیز از عهد باستان تاکنون تاریخی مفصل است و به‌حق تحقیقی گسترده می‌طلبد. از سوی دیگر، بیگانگی جامعه زبان‌شناسی امروز ایران و عامه مردم با زبان‌شناسان مسلمان و مفاهیم زبان‌شناسی به‌مراتب بیشتر از بیگانگی جامعه چند

دهه پيش با زبان‌شناسي جديد است؛ زيرا در آن روزگار رشته زبان‌شناسي رشته دانشگاهي نوپايي بود که به تدريج در جامعه دانشگاهي ايران جاگه و پاگه مي‌يافت. اکنون ضرورت دارد براي آشنايي فرهيختگان با تاريخ اين علم در جهان اسلام به قدر لازم بسترسازي عمومي شود تا شايد با شناخت پيشينه بومي علم زبان‌شناسي در فرهنگ اسلامي، زمينه براي بومي‌سازي بيشتري اين علم در سطح دانشگاهي فراهم گردد.

کتاب زبان‌شناسي ايراني که با عنوان فرعي نگاهی تاريخي از دوره باستان تا قرن دهم هجري قمری عرضه شده، محصول تلاش مؤلف است براي معرفي و تبیین کوشش‌ها و دستاوردهای ايرانيان در رشته زبان‌شناسي و نيز ايجاد بستري مناسب براي شناساندن بهتر نقش ايرانيان مسلمان در توليد علم. اين اثر را نشر مرکز در سال ۱۳۹۲ منتشر کرد.

پيش از اين، پژوهش‌های ديگري در اين زمينه سامان يافته بود. براي نمونه مي‌توان از مقاله مفصل محمد دبیرمقدم با عنوان «سيبويه: زبان‌شناس و دستورنويس» نام برد که در آن، شخصيت برجسته سيبويه و ويژگي‌های کتاب ممتاز وی الکتاب معرفي شده است. ديگر، کتاب تاريخچه آواشناسي و سهم ايرانيان تأليف سيد مهدي سمائي (۱۳۸۸) است که در آن، از چگونگي شکل‌گيري رشته آواشناسي در مراحل ابتدائي و فعاليت‌ها در اين حوزه سخن به ميان آمده و مؤلف به جست‌وجوي نقش ايرانيان در اين زمينه برآمده است. کتاب تاريخ مطالعات زبان‌شناسان مسلمان نوشته کيس ورسيتيگ ترجمه زهرا ابوالحسنی (۱۳۹۱) به تلاش‌های دانشمندان مسلمان در حوزه مطالعات زباني اختصاص دارد و سلسله مقالات «زبان‌شناسان مسلمان در تاريخ زبان‌شناسي اسلامي» نوشته نصير شفيع پور مقدم (وبلاگ زبان‌شناسي همگاني^۱، ۱۳۸۸)، از ديگر پژوهش‌های انجام‌يافته است.

کتاب زبان‌شناسي ايراني مشتمل است بر پيشگفتار مؤلف، مقدمه‌ای با تقسيمات فرعي، سه بخش، يازده فصل، واژه‌نامه‌های عربي و انواع آن، واژه‌نامه‌های فارسي، کاستي‌ها و مزيت‌ها، فهرست منابع و سرانجام نمايه.

1. <http://www.linguist87.blogfa.com/cat-28.aspx>

نویسنده در مقدمه، «تاریخ، زبان‌شناسی و ایران»، از سه مؤلفه‌ای که در تدوین کتاب، مد نظر وی بوده و در نام آن هم منعکس است سخن گفته: تاریخ و مسائل پیرامون آن؛ زبان و علم مطالعه زبان و انواع روش‌ها و نگرش‌ها در بررسی تاریخ علم و تاریخ زبان‌شناسی؛ و سرانجام، ایران، وسعت جغرافیایی آن، ایرانی و تبار ایرانی.

وی در مؤلفه نخست، «تاریخ»، ابتدا تعریفی از تاریخ و تاریخ‌نگاری را به تعبیر استنفورد (۱۳۸۴: ۲) ارائه کرده، سپس به چگونگی پیدایش فلسفه تاریخ و معرفی آن پرداخته است. در ادامه انواع تاریخ‌نگاری را براساس نظر استنفورد معرفی کرده: تاریخ‌نگاری توصیفی، تاریخ‌نگاری تاریخی و تاریخ‌نگاری تحلیلی.

در مؤلفه دوم، «زبان و علم مطالعه زبان»، پس از به دست دادن تعریفی از علم زبان‌شناسی و بیان قدمت آن، انواع تاریخ‌نگاری زبان‌شناسی را از دو منظر کوثرنر (Koerner 2006: 332) و صفوی (۱۳۸۵: ۵۹-۶۰) بررسی نموده است. کوثرنر (Ibid) به چهار نوع تاریخ زبان‌شناسی: تجمیع خرده‌تاریخ‌های زبان‌شناسی، تاریخ زبان‌شناسی تبلیغی یا جانبدارانه، تاریخ‌نگاری مستقل/بی‌طرفانه زبان‌شناسی، تاریخ‌نگاری زبان‌شناسی، و صفوی (همان‌جا) به شش نوع تاریخ‌نگاری: تاریخ‌نگاری مکتب‌مدار، تاریخ‌نگاری پیشگام‌مدار، تاریخ‌نگاری موضوع‌مدار، تاریخ‌نگاری موقعیت‌مدار، تاریخ‌نگاری عمومی و تاریخ‌نگاری شخصیت‌مدار قائل‌اند. با همه تنوعی که در رویکردهای تاریخ‌نگاری دیده می‌شود بعضی از این انواع عملاً هم‌پوشانی دارند و نمی‌توان مرز قاطع و مشخصی بین آنها قائل شد.

مؤلفه سوم که جزء ملاحظات اصلی در نگارش این کتاب است ایرانی بودن زبان‌شناسانی است که نویسنده این کتاب، گزارش تلاش‌های آنها را و جهت همت خود قرار داده است. در این بخش به دو نکته اشاره شده: الف) حدود و ثغور مرزهای ایران به‌عنوان موطن دانشمندان مورد نظر و تعیین تبار آنها؛ ب) ایرانی به چه کسی اطلاق می‌شود؟ بنا به گفته مؤلف، در بررسی جریان‌های تاریخی به‌ویژه پس از ظهور و ورود اسلام به ایران، به وفور به اشخاص و افرادی برمی‌خوریم که به‌دلیل پذیرش اسلام و تغییر نامشان به نام‌های

عربی در برخورد اول نمی‌توانیم به ملیتشان پی ببریم. از این رو برای روشن شدن هویت و تبار محققان و دانشمندانی که گزارشی از آثار آنان در این کتاب ارائه می‌شود، در نخستین مواجهه با نام آنها شرح مختصری از زندگیشان عرضه شده است.

بخش اول کتاب، «زبان‌ها و مطالعات زبانی در عصر باستان»، شامل فصل‌های اول تا چهارم، به مباحث پیرامون زبان‌شناسی اختصاص دارد. نویسنده در فصل اول این بخش با عنوان «آریایی‌ها و زبان‌های ایران در عصر باستان» کوچ اقوام آریایی و آغاز شکل‌گیری ایران، اقوام و زبان‌های باستانی در ایران‌زمین و زبان‌های ایرانی در دوره‌ی میانه را بررسی کرده. در فصل دوم، «تاریخچه خط و ایجاد نظام‌های نوشتاری»، موضوعاتی چون خط تصویری و منشأ آن، تبدیل خط تصویری به خط میخی، خط‌های دوره‌ی میانه، خط اوستایی یا دین‌دبیره و چگونگی تکوین آن بررسی شده است. به‌طور کلی در این فصل از تاریخچه خط و ایجاد نظام نوشتاری سخن به میان آمده و به یکی از کشفیات مهم که در سال‌های اخیر در حفاری‌های منطقه جیرفت به دست آمده و فرضیه خط ایرانی مقدم را اثبات می‌کند اشاره شده است. این تنوع خطی نشانگر توجه ایرانیان به گونه‌های مختلف زبانی است و اهمیتی که آنها برای نشان‌دادن این تنوع در سطح نوشتار قائل بوده‌اند. فصل سوم، «واژگان‌نگاری و فرهنگ‌نویسی در عصر باستان»، مباحثی پیرامون فرهنگ‌نگاری ایرانی میانه، فرهنگ‌های ایرانی میانه شرقی و فرهنگ‌های ایرانی میانه غربی را در بر می‌گیرد. در این فصل واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌هایی بررسی شده‌اند که به دست ایرانیان به رشته تحریر درآمده و عمدتاً متعلق به دوره فارسی میانه است. واپسین فصل این بخش، «ترجمه و تفسیرنویسی»، محتوی موضوعاتی است چون آثار پارتی (پهلوی اشکانی)، آثار فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، مترجمان مانوی و ترجمه و تفسیر اوستا. این فصل به بررسی ترجمه‌ها و تفسیرنویسی اختصاص دارد.

بخش دوم، «ظهور اسلام و تعامل ایرانیان مسلمان»، شامل فصل‌های پنجم و ششم، درباره دورانی است که در قلمرو مطالعات زبانی فعالیت چشمگیری رخ نموده و برهه‌ای که کشور از درون دچار چالش‌های بزرگ سیاسی و پس از آن سلطه اعراب مسلمان بر ایران

است. تأثیر متقابل تمدن ایرانی و تفکر و اندیشه اسلامی در این بخش بررسی شده است. این بخش از کتاب به لحاظ حجم مطالب، بسیار کوتاه‌تر از دو بخش دیگر به‌خصوص بخش سوم است. گرچه وقایعی که در این مقطع از تاریخ رخ داده سرشار از حوادث گوناگون است، رخدادها تا جایی ذکر شده که به موضوع کتاب مربوط می‌شود. در فصل پنجم، «دوران انتقال از عصر باستان به عصر اسلامی»، وضعیت سیاسی، اجتماعی و دینی ایران در عصر بعثت و ظهور و ورود اسلام به ایران بررسی شده است. فصل ششم، «خدمات متقابل اسلام و ایران»، به بررسی مواردی اختصاص دارد چون: مواهبی که اسلام به ایرانیان هدیه کرد، خدمات ایرانیان به تمدن اسلامی و فراز و نشیب زبان فارسی و عربی از ورود اسلام تا قرن چهارم.

بخش سوم، «زبان‌شناسی ایران پس از ظهور اسلام»، شامل فصل‌های هفتم تا یازدهم، دربردارنده عصری درخشان در تاریخ علوم اسلامی است. بخش اعظم تلاش‌های علمی این عصر از جانب دانشمندان ایرانی بوده است. فصل هفتم در این بخش، «مکاتب زبان‌شناسی در دوره اسلامی»، به معرفی دیدگاه‌های دو مکتب مهم فکری یعنی مکتب بصره و مکتب کوفه اختصاص دارد که شاخص‌ترین چهره‌های این دو مکتب نیز ایرانی تبارند. از فصل هشتم تا پایان فصل دهم به ترتیب، دستاوردهای مربوط به آواشناسی، صرف و نحو و معنی‌شناسی بررسی شده است همراه با معرفی زبان‌شناسان حوزه‌های یادشده و مرور آثارشان. در واپسین فصل این بخش به فرهنگ‌نویسی به عنوان یکی از اشتغالات زبان‌شناسان ایرانی اشاره شده و نویسنده پس از معرفی شماری از شاخص‌ترین فرهنگ‌نامه‌ها و واژه‌نامه‌های یک زبانه، دو زبانه، چند زبانه، شخصی و عمومی، ویژگی‌های آنها را بیان کرده است. فرهنگ‌های لغت و واژه‌نامه‌هایی که از دوران‌های گذشته باقی مانده بیانگر ریشه‌دار بودن علم زبان‌شناسی در میان ایرانیان است.

فهرست منابع (منابع فارسی و عربی و انگلیسی و فرانسه و آلمانی) و نمایه پایان‌بخش کتاب است.

از امتیازات کتاب مورد بحث، نثر نسبتاً روان و ساده و به‌دور از تکلف و پیچیدگی مؤلف

آن است. اما شیوه نگارش (رسم الخط) این کتاب در بسیاری موارد با مصوبات فرهنگستان زبان و ادب فارسی مغایرت دارد. برای نمونه موارد زیر را می‌توان برشمرد:

- «هی» به جای «ه» در واژه‌های مختوم به «ها»ی غیرملفوظ در حالت اضافه: دوره‌ی

باستان (عنوان فرعی روی جلد) - دوره باستان

- جدانویسی به جای پیوسته‌نویسی و به‌عکس: آنچه (ص ۴۵) - آنچه؛ بیش از آن که

(ص ۱۶) - بیش از آنکه؛

پیشتر (ص ۶) - پیش‌تر

- مجموعه ام، ای، است، ایم، اید، اند: عبارتند از (ص ۱۵) - عبارت‌اند از؛ مربوطند

(پیشگفتار، ص ۳) - مربوط‌اند

- رعایت نکردن نیم‌فاصله: سنگ نوشته‌ها (ص ۱۵) - سنگ نوشته‌ها؛ نظام یافته (ص ۷) -

نظام یافته

- حذف کسره اضافه: وسیله ارتباطی (ص ۴۵) - وسیله ارتباطی

در کتاب زبان‌شناسی ایرانی اشتباهات چاپی و املایی نیز مشاهده می‌شود. در ترجمه

انگلیسی عنوان کتاب، survey به صورت survey آمده است که درست نیست.

نصیر شفیق‌پور مقدم در سلسله مقالات خود با عنوان «زبان‌شناسان مسلمان در تاریخ

زبان‌شناسی اسلامی»، دوران تکوین زبان‌شناسی اسلامی را به پنج دوره تقسیم کرده است:

دوره اول: دوره پیامبر اسلام (ص) و تفسیر قرآن توسط ایشان؛ دوره دوم: دوره صحابه

پیامبر (ص)، تفسیر قرآن و شعر عربی؛ دوره سوم: آغاز تدوین دستور زبان عربی (از

ابوالاسود تا خلیل)؛ دوره چهارم: بنیان‌گذاری فرهنگ‌نگاری و آواشناسی عربی (خلیل و

تابعانش)؛ دوره پنجم: جدایی فرهنگ‌نگاری، آواشناسی و دستور زبان (از سیبویه تا ابن

السراج).

در کتاب زبان‌شناسی ایرانی تقسیم‌بندی فوق به این شکل بیان نشده ولی مطالب

ارائه‌شده به نوعی مؤید این نوع تقسیم‌بندی است. همچنین این کتاب زمینه مقایسه

زبان‌شناسی در دو سنت اسلامی و غربی را فراهم می‌سازد که این خود از دیگر فواید کتاب

مذکور است. با توجه به یافته‌های این کتاب و نیز پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام شده، برای ارائه تصویری کلی از روند تکوین زبان‌شناسی در دو سنت اسلامی و غربی می‌توان ویژگی‌های این دو سنت را به صورت زیر خلاصه کرد:

- خاستگاه زبان‌شناسی اسلامی قرآن است که از صدر اسلام تاکنون موقعیت ممتاز خود را حفظ کرده و زبان قرآن به‌عنوان زبان اول دنیای اسلام محسوب می‌شده است. اما خاستگاه زبان‌شناسی غربی فلسفه و تا حدی ادبیات بود.

- مطالعات نحوی زبان در هر دو سنت اهمیت ویژه‌ای دارد. از مباحث نحوی مهمی که در هر دو سنت زبان‌شناسی اسلامی و غربی مطرح شد «سامان‌گرایی» و «سامان‌گریزی» در زبان‌شناسی غربی و بحث متناظر آن «قیاس» و «سماخ» در زبان‌شناسی اسلامی بود. بر پایه این دو اصل دو مکتب زبانی اسلامی تحت عنوان مکتب بصره و مکتب کوفه شکل گرفت که اولی طرفدار قیاس بود و دومی بیشتر به بی‌نظمی‌های زبانی توجه داشت.

- بحث دیگر اعراب و بناء است که مبنای اصلی دستور زبان عربی است. در واقع مفهوم «عمل» در دل این مقوله (اعراب) نهفته است. بحث حاکمیت در دستور زبان غربی با همین بحث «عمل» رابطه دارد، با این تفاوت که مقوله «حاکمیت» در زبان‌شناسی غربی مفهومی فراگیرتر و گسترده‌تر نسبت به «عمل» در دستور زبان عربی است. این مقوله در ابتدای مطالعات زبانی مسلمانان مورد توجه قرار گرفت و در قرن بیستم در نظریه حاکمیت (از زیرنظریه‌های نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی) در زبان‌شناسی زایشی مطرح شد.

- یک نظریه مهم در زبان‌شناسی اسلامی نظریه «تصریحی»^۱ سیبویه است. این نظریه در مورد تعبیر پاره‌گفتار است. شرایط و موقعیت ارتباطی مطرح شده در نظریه سیبویه تقریباً همانند شرایط کاربردی و بافتاری تجزیه‌تحلیلگران کلام غربی در تعبیر پاره‌گفتار است.

- مطالعات ساخت‌واژی یکی از بحث‌های اصلی هر دو سنت زبانی بوده است. این نوع مباحث در یونان باستان میان سامان‌گرایان و سامان‌گريزان مطرح شد. توجه اصلی این مباحث در این دوره بر اقسام کلمه، طبقه‌بندی‌های کلمات برحسب تصریف‌پذیری و یا

تصریف‌ناپذیری بوده است. بحث تصریف و اشتقاق در ساخت‌واژه هر دو سنت اهمیت خاصی داشته است.

- در بحث ساخت‌واژه زبان عربی، دانشمندانی نظیر سیبویه و کسایی مطرح هستند. از دید دستوریان مسلمان، اقسام کلمه سه نوع است: اسم و فعل و حرف. از دید غربیان هم، تقسیم‌بندی کلمه از سه قسم شروع شد و به سه قسم رسید.

- مطالعات ساخت‌واژی از یونان باستان تا قبل از قرن بیستم سنتی است. واژه مفهوم بنیادین آن بوده و در کل، ساخت‌واژه اهمیت بیشتری از نحو داشته است. همچنین اقسام کلمه را به دلخواه تقسیم می‌کردند. از اوایل قرن بیستم تاکنون، ساخت‌واژه بر ساختمان درونی کلمه تکیه دارد و زبان‌شناسان با توجه به این ساختمان درونی، به مفهوم تکواژ رسیدند. زبان‌شناسان مسلمان مفهوم تکواژ را صریحاً معرفی نکرده‌اند.

- مطالعات معنایی در زبان‌شناسی اسلامی و غربی مراحل متفاوتی را پشت سر گذرانده است. مطالعه معنا و زبان‌شناسی غربی با بحث درباره منشأ زبان و رابطه واژه و معنای آن شروع شد که آیا این رابطه طبیعی یا قراردادی است. بحث راجع به طبیعی یا قراردادی بودن رابطه لفظ و معنا به سامان‌گرایی و سامان‌گریزی منجر شد. از این رو، مطالعات معنایی در یونان باستان رنگ فلسفی به خود گرفت. ارسطو رابطه بین لفظ و معنا را از نوع قراردادی می‌دانست و عقیده داشت که هیچ نامی به‌طور طبیعی پدید نمی‌آید (روبینز، ۱۳۷۳).

- مطالعات معنایی در نزد زبان‌شناسان مسلمان ریشه ادبی داشت. مسلمانان به‌منظور درک اعجاز قرآن به بررسی معنای آن پرداختند و این بررسی‌ها تحت عنوان «فنون بلاغت»^۱ مطرح شد که در آغاز به صنایع ادبی قرآن محدود بود، سپس این صنایع به سه بخش معانی و بیان و بدیع تقسیم شد. رابطه لفظ و معنا هم در این مطالعات مورد توجه قرار گرفت به‌طوری که برخی آن را قراردادی و بعضی آن را طبیعی فرض کردند.

نکته قابل قیاس این است که معناشناسی یونانیان عمدتاً تحت تأثیر فلسفه بر مسائل

ریشه‌شناختی متمرکز بود، اما مطالعات معنایی مسلمانان بیشتر جنبه ادبی - بلاغی داشت و با مسائل کاربردشناختی گره خورده بود و هدف آن تعبیر کلمه الله بود. اما در یونان چنین وضعیتی نبود. کم‌کم در اروپا مباحث ریشه‌شناختی جای خود را به تعبیر و تفسیر متن مقدس انجیل و بررسی‌های معنایی محض داد.

- مطالعات معنایی مسلمانان تا قرون هفتم و هشتم ادامه پیدا کرد و مفاهیمی نظیر صورت و معنا، دلالت و اطلاق، روابط معنایی، و مجهول مطرح شدند. در واقع، مفاهیم ساختاری و معنایی هر دو با هم در مطالعات بلاغی لحاظ شدند. سیبویه مطالعه معنا را در چارچوب پاره‌گفتار و موقعیت ارتباطی آن فرض کرده است. زبان‌شناسان غربی هم نظیر مایکل هالییدی و جی آر فرث همانند سیبویه به معنای بافت علاوه بر معنای صوری جمله توجه داشته‌اند. اما برخی دیگر از زبان‌شناسان غربی به مطالعه محض معنا می‌پردازند و مسائل کاربردی و بافتی را در شاخه دیگری تحت عنوان «کاربردشناسی» در نظر می‌گیرند.

- «آواشناسی» در زبان‌شناسی با بحث «مخارج الحروف» در زبان‌شناسی اسلامی معادل است. منشأ مطالعات آوایی را در یونان باستان می‌توان به دستیابی به تلفظ صحیح متون یونانی کهن، توجه به گویش آتنی و تقسیم‌بندی‌های گویشی نسبت داد. اما مطالعات آوایی مسلمانان پس از وحی قرآن به منظور قرائت درست شروع شد. مسلمانان با دقت تمام آواهای عربی را بررسی کردند و به پیشرفت‌های چشمگیری نائل آمدند تا آنجا که می‌توان گفت که بسیاری از دستاوردهای آوایی آنان با آواشناسی نوین غربی برابری می‌کند.

- در آواشناسی غربی، علاوه بر مطالعه صامت‌ها و مصوت‌ها به عناصر دیگری نظیر تکیه، آهنگ و لحن کلام نیز اشاره شده است.

گفتنی است که اوج نوآوری‌ها و تحولات زبان‌شناسی اسلامی عمدتاً به چندین قرن اول پس از اسلام برمی‌گردد و پس از آن تا به امروز جنبه تکمیلی و تشریحی پیدا کرده است و این برخلاف زبان‌شناسی غربی است که اوج پیشرفتش در قرن معاصر بوده است. در واقع، زبان‌شناسی غربی در این قرن از حوزه سنتی خود کاملاً خارج شد و به صورت علمی و نظام‌مند مطرح گردید.

منابع

- استنفورد، مایکل (۱۳۸۴)، درآمدی بر تاریخ‌پژوهی، ترجمه مسعود صادقی علی‌آبادی، چ ۱، سمت، تهران؛ دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۹)، «سیبویه: زبان‌شناس و دست‌نویس»، مجله دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ش ۶، صص ۳-۴۴؛ روبینز، آر. اچ. (۱۳۷۳)، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی‌محمد حق‌شناس، کتاب‌ماد (وابسته به نشر مرکز)، تهران؛ سمائی، مهدی (۱۳۷۳)، تاریخچه آواشناسی و سهم ایرانیان، نشر مرکز، تهران؛ صفوی، کورش (۱۳۸۵)، «سیبویه و نگارشی گمشده در گذشته‌های مطالعه زبان»، نامه پژوهشگاه (ویژه‌نامه زبان‌شناسی)، ش ۱۴ و ۱۵، صص ۵۹-۶۶؛ ورستیگ، کیس (۱۳۹۱)، تاریخ مطالعات زبان‌شناسان مسلمان، ترجمه زهرا ابوالحسنی، سمت، تهران؛
- KOERNER, E. F. (2006), "Historiography of Linguistics", in *Encyclopedia of Language & Linguistics*, 2nd edition, Edi. In chief. K. Brown, Oxford: Elsevier Ltd. vol. 5, pp. 332-341.